



حکم بکاء و گریه بر سید الشهداء علیه السلام در نماز

حکم بکاء و گریه بر سید الشهداء علیه السلام در نماز

محمد علی انتصاری

چکیده

به چیزهایی که نماز را باطل میکنند مبطل میگویند و آنها ۱۲ چیز هستند. یکی از آنها تعمد بکاء در امور دنیوی است. چون فقها گریه را بر اخروی و دنیوی تقسیم کردند. و اختلاف است بین ایشان که آیا گریه بر سید الشهداء گریه ی اخروی است یا دنیوی. عده ای قایل به این هستند که بکاء برای امام حسین نماز را باطل نمیکند و عده ای دیگر بر خلاف گروه اول را قایل شدند.

کلید واژگان: بکاء، صلاه، مبطلات نماز، بکاء در نماز، گریه، خلل در نماز، بکاء بر سید الشهداء در نماز، اشک، دموع

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





مقدمه

از آنجایی بکاء و گریه کردن برای مصیب سید الشهداء علیه السلام (از اهمیت خاص و فوق العاده ای برخوردار است و اجر اخروی ای که در تکوین این عمل است بسیار بالاست و نه تنها بکاء در دین و مذهب و در بین علما و عرفا و صالحین و بزرگان و ... از جایگاه بالایی برخوردار است بلکه امروزه اهمیت و جایگاه بالایی در بین حتی عوام الناس پیدا کرده است.) تصمیم به نوشتن این چنین مقاله ای گرفتم.

شاید برای هر کسی اتفاق بیفتد که در مکانی مشغول نماز باشد و در حین نماز صدای روضه و ذکر مصیبت اهل بیت به خصوص سید الشهداء علیهم السلام به گوش برسد. آیا میشود در حین نماز به روضه گوش داد و گریه کرد؟ یا نه؟ و اگر ناخودآگاه اشک هایمان جاری شد حکمش چیست؟ یا اینکه در حین نماز چشم انسان به صحنه ای میخورد که نا خود آگاه ذهن را به یاد جایی از روضه اهل بیت متنقل میکند. آیا میشود در این حالت گریه بر مصیبت سید الشهداء کرد؟ یا خیر؟

بنده در این مقاله سعی کرده ام به تمام این سوالات پاسخ بدهم و امیدوارم رضایت حق تعالی و امام زمان در نوشتن این مقاله باشد.

۱. مبطلات نماز



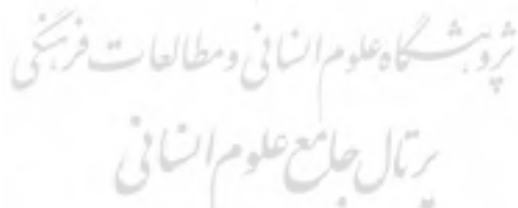


حکم بکاء و گریه بر سید الشهداء علیه السلام در نماز

مبطلات نماز به افعال و اقوال و حالاتی گفته می‌شود که با وجود آنها حکم به فساد و عدم صحت نماز داده می‌شود و با وجود آنها نماز صحیح نیست که در فقه شیعه دوازده مورد تحت عنوان مبطلات یا قواطع الصلاة در رساله‌های عملیه و کتب فقهی بیان شده است، که عبارتند از: از بین رفتن یکی از شروط نماز، حدث اصغر و اکبر، تکفیر، آمین گفتن بعد از حمد، پشت به قبله یا به چپ یا راست قبله شدن، گفتن کلمه ای در نماز، خنده با صدا و عمدی، گریه کردن برای امور دنیوی با صدا، کاری که صورت نماز را بر هم بزند، خوردن و آشامیدن، بعضی از شکایات نماز، کم و زیاد کردن ارکان نماز چچ عمدا و چه سهوا و کم و زیاد کردن غیر رکن عمدا. (موسوی خمینی - جلد ۱ - صفحه ۱۸۶)



حال با توجه به اینکه موضوع بحث در این مقاله بکاء بر سید الشهداء علیه السلام می‌باشد و هدف ما در این مختصر بررسی مبطلیت یا عدم مبطلیت آن در حال نماز است، از حیث موضوع شناسی پس از تجزیه موضوع مقاله می‌توانیم این موضوع را تحت عنوان هشتم از مبطلات نماز بررسی کنیم و ببینیم آیا گریه بر امام حسین علیه السلام را می‌توان در این سر فصل قرار داد یا نه و به عبارت بهتر آیا گریه بر امام حسین علیه السلام بکاء بر امور دنیوی به حساب می‌آید یا می‌توان وجهی برای اخروی بودن آن درست کرد تا تخصصاً از موضوع مبطل هشتم خارج شود یا خیر؟



۲. بررسی معنای لغوی و اصطلاحی (فقه الحدیث) بکاء

۱-۲. معنای لغوی بکاء

قبل از این که وارد بحث فقهی و بیان اقوال و بررسی ادله فقهاء در موضوع «بکاء بر سید الشهداء» شویم لازم است در رابطه با معنای لغوی بکاء در کتب لغت و همچنین معنای اصطلاحی آن در آیات و روایات قدری تبیین صورت گیرد که این بخش از مقاله متکفل بیان این مهم است.





حکم بکاء و گریه بر سید الشهداء علیه السلام در نماز

جوهری در صحاح در مدخل بکاء آورده است: الْبُكَاءُ يُمَدُّ وَيُقْصَرُ، فَإِذَا مَدَدَتْ أُرْدَتْ الصَّوْتُ الَّذِي يَكُونُ مَعَ الْبُكَاءِ، وَإِذَا قَصَّرَتْ أُرْدَتْ الدَّمْعُ وَخُرُوجُهَا بُكَاءٌ، إِنْ قَصَرَ خَوَانَدَه شَوْد بِمَعْنَى گریه و اشک ریختن است و اگر بمدّ باشد بمعنی صدائی است که توأم با گریه است (جوهری، ج ۱ ص ۲۲۸۴)

یا راغب در مقام بیان معنای لغوی آن در مفردات می گوید: فعلش بَكَى، يَبْكِي، بُكًا و بُكَاءً - یعنی ریزش اشک در اثر حزن و مصیبت و نیز در وقتی که در اندوهی و غمی صدا و ناله بیشتر باشد مثل - رغاء - بانگ شتر و ثغاء - بانگ زائیدن گوسفند. واژه‌هایی که برای اصوات هست بر همین وزنند، اما اگر حزن و اندوه بیشتر از نالیدن باشد بر وزن - بکی - گفته می‌شود نه - بکاء - با حرف (مد). (راغب اصفهانی، ج ۱ ص ۳۰۲)

با بررسی معنای لغوی به این نکته می‌رسیم که حزن و اندوه یک پای اساسی و اصلی در موضوع له واژه «بکاء» است و در مفهوم آن این حالت اخذ شده است. لذا اگر گریه از شوق بهشت از چشمان نماز گذار خارج شود مجازاً به آن بکاء گفته میشود لذا با توجه به این نکته معادل فارسی موضوع مقاله نمی‌تواند «گریه بر سیدالشهداء علیه السلام» باشد بلکه به جای واژه بکاء باید گریه محزون استعمال شود و مطلق گریه و سیلان اشک برگردان فارسی خوبی برای کلمه بکاء نیست، هرچند ممکن است گفته شود چون گریه بر امام حسین علیه السلام تنها یک شق دارد و آن سیلان اشک با حالت حزن و اندوه است پس تقیید آن به حالت محزون امری لغو و بی فایده است اما با این حال تعبیر دقیق تر در برگردان فارسی این موضوع همان گریه محزون است.^۱



۲-۲. معنای اصطلاحی بکاء

در این بخش از مقاله در صدد بیان معنای اصطلاحی کلمه بکاء در ادله مورد استناد فقها در بحث بکاء بر سید الشهداء هستیم که با مراعات اختصار در این مقاله، مطالبی در اینجا آورده ایم.

^۱ در این بخش در صدد بیان معنای لغوی و مراد استعمالی این واژه هستیم لذا نتیجه ای که در این بخش گرفته شده است موضعی است و اصل معنای موضوع مورد بحث، معنای اصطلاحی و مراد جدی آن در کلام فقها و آیات و روایات است که ممکن است دایره ای وسیعتر یا ضیق تر از معنای لغوی داشته باشد.





حکم بکاء و گریه بر سید الشهداء علیه السلام در نماز

راغب اصفهانی در ذیل آیه شریفه «خَرُّوا سُجَّدًا وَ بُكْيًا - ۵۸ / مریم» آورده است: **بَاكِي** - **بَاكُون** و **بُكِي** است - که اصل **بَكِي** - بر وزن **فَعُول** مثل - **ساجد** و **سجود** و **راکع** و **رکوع** و **قاعد** و **قعود** - است که حرف (و) به حرف (ی) تبدیل شده، و پس از ادغام در حرف (ی) خود کلمه، مثل **جاث** و **جثی** یعنی بزانو در آمده عات و عتی (یعنی خم شده) است. **بکی** - در **حزن** و **ریزش اشک** که با هم باشد گفته می شود و هم بطور منفرد، در **حزن** و **گریه** هم بکار می رود.

در کتاب قاموس قرآن نیز مفصلاً به بیان معنای اصطلاحی کلمه **بکاء** در قرآن پرداخته شده است و پس از بیان معنای لغوی آن و نقل قول از کتبی مثل صحاح و مفردات، در بیان معنای اصطلاحی واژه **بکاء** آن را به **اشک ریختن** و **گریه معنا** کرده اند و بعد از نقل قول برخی از مفسرین مبنی بر استعمال مجازی **گریه** در برخی از آیات مثل «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ دُخَانًا / ۲۹» در انتها جمله ای فرمودند که بر شمولیت موضوع له **بکاء** نسبت به وجود اشک صحه می گذارد؛ ایشان آورده اند: تمام موجودات نسبت بخدا چنانکه در «سبح» خواهد آمد، **زنده** و **مدرک** اند هیچ مانعی ندارد که آیه را **حمل بظاهر** کرده و **بگوئیم**: آسمان و زمین هم متأثر میشوند و **گریه** میکنند گر چه ما از حقیقت آن بی اطلاعیم. (قرشی، ج ۱ ص ۲۲۳)

اما غیر از قرآن در روایات نیز از لفظ **بکاء** بسیار استفاده شده است که ما برای تبرک و با رعایت اختصار و مراعات هدف، به یک نمونه از این موارد اشاره خواهیم کرد: مرحوم شیخ حر در کتاب **گرانسنگ** و **وسائل الشیعه** در بابی تحت عنوان **بَابُ بَطْلَانِ الصَّلَاةِ بِالْبُكَاءِ فِيهَا لِذِكْرِ الْمَيِّتِ لَا لِذِكْرِ جَنَّةٍ أَوْ نَارٍ أَوْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ** روایاتی آورده اند از جمله روایتی که از شیخ طوسی در من لایحضره الفقیه مرقوم داشته اند: **قَالَ وَ رُوِيَ أَنَّ الْبُكَاءَ عَلَى الْمَيِّتِ يَقْطَعُ الصَّلَاةَ - وَ الْبُكَاءَ لِذِكْرِ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ - مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ فِي الصَّلَاةِ**. همانا **بکاء** بر میت در نماز، **مبطل** و **قاطع** نماز است ولی **بکاء** برای (یاد) بهشت و جهنم از افضل اعمال در نماز است. (عاملی، ج ۷ ص ۲۴۷)





حکم بکاء و گریه بر سید الشهداء علیه السلام در نماز

در این روایت همانطور که تصریح شده بود بکاء هم در حالت گریه خوفی استعمال شده است و هم در حالت گریه شوقی، که با کنار هم گذاشتن دیگر روایات این باب و ابواب دیگری که مربوط به بحث بکاء و گریه هستند به یک معنای عامی دست پیدا می‌کنیم که دایره معنای اصطلاحی بکاء را وسیعتر از معنای لغوی آن خواهد کرد.

در پایان این بخش می‌توان به این جمع بندی رسید که هر چند معنای لغوی بکاء گریه شوقی و غیر حزنی را شامل نمی‌شود اما همانطور که در روایات مشاهده شد حضرات معصومین علیهم السلام به مطلق گریه اطلاق بکاء کرده‌اند.

ذکر این نکته نیز در این بخش خالی از لطف نیست که ما از باب قدر متیقن در مقام تخاطب می‌دانیم منظور از گریه در روایات مجیز بکاء، گریه ای است که بدون صدا باشد و مطلق اشک ریختن باشد و الا همان حکمی که در فقهه ضحک در نماز وارد شده است در گریه نیز جاری و ساری است.

۳. انواع بکاء

بکاء تقسیم بندی های گوناگونی دارد که یک نوع از این تقسیمات در موضوع مقاله ما کاربرد دارد و ما به همان تقسیم پرداخته‌ایم.

الف. بکاء اخروی: گریه ای که مربوط به مسائل آخرت و بهشت و جهنم و خوف از خدا و خشیت از عذاب الهی و شوق به رضوان الهی و ... است.

ب. بکاء دنیوی: گریه ای که برای امور و مسائل دنیوی است.





حکم بکاء و گریه بر سید الشهداء علیه السلام در نماز

۳-۱. کدامیک از انواع گریه مبطل نماز است؟

الف. ابو حنیفه میگوید: سالت عن ابی عبد الله علیه السلام عن البکاء فی الصلاة ایقطع الصلاة؟ فقال: ان بکی لذكر جنه او نار فذلک هو افضل الاعمال فی الصلاة و ان کان ذکر میتا له فصلاته فاسده. (عاملی - جلد ۴ - صفحه ۱۲۵۱) از امام صادق علیه السلام درباره ی گریه کردن در نماز سوال کردم که آیا نماز را باطل میکند؟ فرمود: اگر برای یاد بهشت یا جهنم گریه کند پس آن از بهترین اعمال در نماز است و اگر مرده اش را یاد کرده و گریه کند نمازش فاسد است.

ب. القول فی مبطلات الصلاة: تعمد البکاء بالصوت لفوات امر دنیوی، دون ماکان منه للسهو عن الصلاة، او علی امر اخروی او طلب امر دنیوی من الله تعالی خصوصا اذا کان المطلوب راجحا شرعا، فانه غیر مبطل.... (موسوی خمینی - جلد ۱ - صفحه ۱۶۹)

ج. تعمد البکاء ... علی الاحوط لامور الدنيا و اما البکاء للخوف من الله و لامور الاخره فلا باس به بل هو من افضل الاعمال. والظاهر ان البکاء اضطرارا ایضا مبطل. نعم لا باس به اذا کان سهوا بل الاقوی عدم الباس به اذا کان لطلب امر دنیوی من الله. فیبکی تذلالا له تعالی ليقضی حاجته. (حکیم - جلد ۶ - صفحه ۵۸۰)

د. قواطع الصلاة ... ثانيهما: لا يبطلها الا عمدا ... و البکاء لشيء من امور الدنيا... (عاملی - جلد ۳ - صفحه ۴۶۶)

با خواندن این احادیث و این نظرات به این میرسیم که نظر اهل بیت علیهم السلام مستقیما به دست فقها رسیده و به راحتی میتوانند به این حکم کنند که بکاء اخروی جایز ولی بکاء دنیوی جایز نمی باشد.





حکم بکاء و گریه بر سید الشهداء علیه السلام در نماز

۲-۳. آیا گریه بر امام حسین علیه السلام گریه دنیوی است؟

میتوان گفت اختلافی که در بین فقها بر سر مسأله جواز یا عدم جواز بکاء بر سید الشهداء در نماز در گرفته است از این مسأله نشأت گرفته که آیا گریه بر سید الشهداء برگشت به مسائل دنیوی دارد یا اخروی که اگر محل رجوعش مورد اول باشد طبعاً قاطع و مفسد نماز خواهد بود و اگر از مورد دوم باشد، نه تنها مفسد بلکه ممدوح و پسندیده نیز خواهد بود.^۱ با نگاهی گذرا و کوتاه به احادیث و روایات و تصریحات فقها در همین باب یا ابواب دیگر از فقه به خوبی این سوال جواب داده خواهد شد که آیا گریه بر امام حسین دنیوی است یا اخروی!

فقال سبحانه: يَا مُوسَى كَتَبْتُ رَحْمَةً لِنَابِعِيهِ مِنْ عِبَادِي وَ اعْلَمَ أَنَّهُ مَنْ بَكَى عَلَيْهِ أَوْ أُبْكِيَ أَوْ تَبَاكَى حَرَّمْتُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ. خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای موسی (ع) برای پیروان واقعی تو که بندگان من هستند رحمت قرار دادم و بدان که من، بدن کسی را که بر او (حسین علیه السلام) گریه کند و بگریاند و یا خود را به حالت گریه در آورد، قطعاً بر آتش جهنم حرام کرده ام. (بحار الانوار/ج ۴۴/ص ۳۰۸)

قال الرضا عليه السلام: إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَقْرَحَ جُفُونَنَا وَ أُسْبِلَ دُمُوعَنَا وَ أَدَلَّ عَزِيْرَنَا بِكَرْبٍ وَ بَلَاءٍ وَ أَوْرَثْنَا الْكَرْبَ وَ الْبَلَاءَ إِلَى يَوْمِ الْإِنْقِضَاءِ فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِي أَلْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ يَحْطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ. امام رضا علیه السلام فرمودند: همانا روز شهادت حسین علیه السلام چشمان ما را مجروح کرده و اشک های ما را جاری ساخته است، و عزیز ما را در کربلا خوار نموده و برایمان تا روز قیامت، اندوه و بلا بر جای گذاشته است. پس واجب است بر مثل حسینی؛ گریه کنندگان، گریه کنند. پس بدرستی که گریه بر ایشان گناهان بزرگ را محو می سازد. (بحار الانوار/ج ۴۴/ص ۲۸۳)



^۱ اهل سنت نیز اختلافی در بکاء فی الصلاة بین فقههای خودشان دارند اما اختلاف آنها بر سر این مطلب است که آیا گریه تخلل در نماز ایجاد

میکند یا نه؟





حکم بکاء و گریه بر سید الشهداء علیه السلام در نماز

قال الرضا عليه السلام: يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ كُنْتَ بَاكِيًا لِشَيْءٍ فَأَبْكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ. امام رضا علیه السلام فرمودند: ای پسر شیب هر زمان که بر چیزی گریان شدی بر ابا عبدالله الحسین علیه السلام گریه کن (بحار الانوار ج ۴۴/ص ۲۸۶)

قال الصادق عليه السلام يقول: مَنْ دَمَعَتْ عَيْنُهُ فِينَا دَمَعَةً لِدَمِّ سَفِكِ لَنَا أَوْ حَقَّ لَنَا نُقِصْنَا أَوْ عَرِضَ انْتِهَكِ لَنَا أَوْ لِأَحَدٍ مِنْ شِيعَتِنَا بَوَّأَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهَا فِي الْجَنَّةِ حُقْبًا. حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هر کس که در راه ما به جهت ریخته شدن خون ما یا غصب شدن حق ما یا هتک حرمت و ناموس و آبروی ما یا یکی از شیعیان ما، اشک چشمش حتی به اندازه قطره ای جاری شود، خداوند او را در بهشت ابدی جای می دهد. (بحار الانوار/ج ۴۴/ص ۲۷۹)

با اینهمه روایات در مورد جایگاه بالا و اجر و ثواب وصف نشدنی بکاء بر ابا عبدالله علیه السلام آیا میشود گفت که بکاء بر ایشان از نوع بکاء دنیوی است؟

مرحوم آیت الله بهجت ره در کتاب جامع المسائل میفرماید: ... و همچنین بکاء برای مصائب سید الشهداء علیه السلام در نماز اظهر عدم ابطال آن است. چه اینکه بکاء برای امتثال امر باشد برای غایات امتثال که طلب جنت و دفع جهنم از جمله ی آنهاست. یا ان که معلول محبت خدا باشد که علت محبت محبوبین خداست. و این از بکاء برای امر دنیوی نیست بلکه معلول امر الهی است که لازم محبت خدا و محبوبان او، حزن و بکاء برای مصائب محبوبان خداست. بلکه هر بکائی که ثواب به آن مترتب باشد و به داعی آن، ثواب اخروی محقق بشود مبطل نیست. (آیت الله بهجت - جلد ۱ - صفحه ۴۰۱)

به نظر بنده از این عبارت ایشان میتوان معنای بکاء اخروی و اینکه آیا بکاء بر سید الشهداء بکاء اخروی است را فهمید: هر بکائی که بر آن اجر و ثواب اخروی مترتب





حکم بکاء و گریه بر سید الشهداء علیه السلام در نماز

باشد میشود بکاء اخروی که علما و فقها بر آن اجماع دارند که مبطل نماز نیست و افضل الاعمال است. یقیناً بکاء بر سید الشهداء مترتب بالاترین ثواب و اجر اخروی است و بالاترین درجه ی بکاء را دارد. پس مبطل نماز نیست.

۴. آیا اجماع بر جواز گریه بر امام حسین علیه السلام در نماز وجود دارد؟

با وجود اجماع بر یک مسأله در فقه کار برای فقیه در استنباط بسیار سهل و آسانتر شده و پروسه استنباط را بسیار سریعتر میتواند طی کند. در بحث بکاء بر سید الشهداء هر چند بر جواز و اباحه آن اجماعی وجود ندارد و از عصر قدماء تا کنون نظرات مختلفی در این باب مطرح شده است اما میتوان گفت اجماع و بلکه بالاتر از آن تسالم قطعی بین فقهای وجود دارد که گریه بر امام حسین علیه السلام گریه دنیوی محسوب نمیشود. هر چند برخی نه از باب دنیوی بودن گریه بر امام حسین علیه السلام بلکه از باب اینکه گریه بر امام حسین گریه بر میت محسوب میشود قائل به اشکال در جواز این نوع گریه شده اند و حکم به احتیاط کرده اند ولی این گونه انظار نمیتواند خارق اجماع مذکور به حساب آید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴-۱. اقوال فقهاء در مسأله بکاء بر سید الشهداء در نماز

اما همانطور که گفتیم این مسأله در بین فقها از دیر باز تا کنون معرکه آراء بوده و در این بخش به بیان برخی از آنها پرداخته ایم.

الف. و فی جواز البکاء علی سید الشهداء ارواحنا فداه تأمل و اشکال. فلا یتترک الاحتیاط. (موسوی خمینی _ جلد ۱ _ صفحه ۱۶۹)





حکم بکاء و گریه بر سید الشهداء علیه السلام در نماز

ب. در منافیات نماز است: ... بکاء غیر از گریه که از خوف نار و شئون جنت باشد عمدا و گریه بر سید الشهداء بی اختیار ضرر ندارد و با اختیار در آن تامل است. (شیخ انصاری _ صفحه ۱۴۳)

د. گریه کردن بر حضرت سید الشهداء و سائر ائمه برای امور دنیا نیست و اشکال ندارد. (آیت الله فاضل _ جلد ۳ _ صفحه ۱۴۹)

ج. بنا بر اظهر جائز است. چون محبت خدا و حب اولیای او موجب حزن و گریه بر مصائب اولیای خدای متعال میشود. (آیت الله بهجت _ جلد ۲ - صفحه ۱۹۶)

د. گریه بر سید الشهداء گریه بر امور دنیوی محسوب نمیشود بنا بر این اشکال ندارد (آیت الله تبریزی - جلد ۲ - صفحه ۶۳)

ه. در نماز اشکال دارد (آیت الله مکارم - جلد ۳ - صفحه ۸۴)

و. بنا بر احتیاط لازم جایز نیست. (آیت الله نوری همدانی - جلد ۲ - صفحه ۵۴)

ز. اذا كان خوفا من الله او شوقا الى رضوانه او تذللا له تعالى و لو بقضاء حاجه دنیویه فلا باس به و كذا ماكان منه على سيد الشهداء اذا كان راجعا الى الاخره. (آیت الله سیستانی - جلد ۱ - صفحه ۲۳۶)

ح. همان عبارت آیت الله سیستانی + كما لا باس به اذا كان سهوا اما اذا كان اضطرارا بان غلبه البكاء فلم يملك نفسه فالظاهر انه مبطل ايضا. (آیت الله خوئی و آیت الله وحید خراسانی - جلد ۲ - ۲۱۴)

ط. بنا بر احتیاط واجب است ترک شود (آیت الله خامنه ای)





نتیجه گیری

در این بخش با توجه به جمع بندی خوبی که آیت الله خویی در کتاب التنقیح مطرح کرده‌اند به ذکر و ترجمه آن کفایت می‌کنیم. مرحوم آقای خویی پس از بیان متن کتاب عروه الوثقی: ربّما يُقال بجواز البكاء علی سید الشهداء (أرواحنا فداه) فی حال الصلاة و هو مشکل (چه بسا برخی از فقها که قائل به جواز بکاء بر سید الشهداء در حال نماز شده‌اند و در این حکم اشکال است.) در شرح آن آورده‌اند: مورد الاشکال ما لو کان البكاء لمجرد عظم المصیبه فی نفسها مع الغض عما یترتّب علیها، لاحتمال کونه حیثینذ مشمولاً لقوله: « و إن ذکر میتاً له ... » إلخ، الوارد فی نصوص مبطلیه البکاء کما تقدّم. و أمّا البکاء لما یترتّب علی مصیبه و استشهاده (علیه السلام) من حصول ثلمه لا تنجبر فی الدین و ضعف، بل تضعف فی أركان الإسلام و المسلمین فضلاً عن المثوبات الأخرویه المترتبه فی الأخبار علی البکاء علیه (علیه السلام) بحيث یرجع الكل إلى العباده و قصد القربه و البکاء لأمر أخروی لا دنیوی، فلا ینبغی الإشکال فی جوازه، و إن کان الاحتیاط بالتأخیر إلى خارج الصلاة.



ایشان فرموده‌اند هر چند مرحوم یزدی در عروه حکم به اشکال در جواز بکاء بر سید الشهداء فی حال الصلاة کرده‌اند اما مورد اشکال جایی است که باکی گریه اش بر عظم مصیبت و بزرگی آن با قطع نظر از ثواب و اجر و پاداش و ... باشد که بر آن مترتب می‌شود چون گریه با این اوصاف شاید از مصادیق ذکر میت باشد که در روایت شریف «و ان ذکر میتا له ...» از آن در حال نماز نهی شده است و از مبطلات نماز شمرده شده است.

اما اگر بکاء به صرف عظم مصیبت نباشد بلکه گریه بر مصیبت و شهادت حضرت با در نظر گرفتن چیزهایی باشد که بر آن مترتب می‌شود که بیان باشند از، حصول ثلمه جبران ناپذیر در اسلام و لرزیدن ارکان آسمان و با در نظر گرفتن اجر و ثواب و پاداش اخروی آن، این خود عبادت است و قابلیت قصد قربت دارد و این نوع از گریه قطعاً





حکم بکاء و گریه بر سید الشهداء علیه السلام در نماز

گریه اخروی است و دنیوی نیست پس با این وجود اشکالی در جواز آن وجود ندارد هر چند احتیاط این است که انسان آن حالت حزن و اندوه را حفظ کند و گریه و اشک ریختن را به بعد از نماز موکول کند.

منابع

۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، کتاب الصلاة (للشیخ الأنصاری)، ۳ جلد، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۵ هـ ق
۳. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ هـ ق
۴. حکیم، سید محسن طباطبایی، مستمسک العروة الوثقی، ۱۴ جلد، مؤسسه دار التفسیر، قم - ایران، اول، ۱۴۱۶ هـ ق
۵. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، هفتم، ۱۴۰۴ هـ ق
۶. عاملی، محمد بن علی موسوی، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، ۸ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۱ هـ ق
۷. خویی، سید ابو القاسم موسوی، منهاج الصالحین (للخوئی)، ۲ جلد، نشر مدینه العلم، قم - ایران، ۲۸، ۱۴۱۰ هـ ق
۸. _____، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ۶ جلد، تحت اشراف جناب آقای لطفی، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸ هـ ق
۹. خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیلة، ۲ جلد، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم - ایران، اول، هـ ق

